

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد
۲۳ نومبر ۲۰۱۵

أفق جنبش مسلحانه کُردستان سوریه و کوبانی!

ممیزه‌های جنبش کوبانی، متمایز از دیگر جنبش‌های اعتراضی است. سلاح به‌دست گرفت و در مقابل جانیان بشریت به صف شد. به‌خودی خود جنبش مسلحانه کوبانی، جنبش ابتداء به ساکن نبوده و نیست. آلام توده‌های در بند بود و دهه‌ها و در زیر چکمه‌های نظام‌های سرمایه‌داری، لگد مال شده است. این توده رنج‌دیده، در دوره‌های متفاوت و به‌دلیل دستیابی به حقوق دیرینه‌اش به‌پاخاست و پس زده شد و امروزه، با مقاومت و با ایستادگی‌اش، به نماد جنبش‌های اعتراضی همه محرومان جهان تبدیل گردیده است؛ جنبشی که در خلافِ روال سیاست‌های تاکتونی منطقه و در اثر، تنش و تضادهای فی‌مابین امپریالیست‌ها و دولت‌های وابسته‌شان، خود را سازمان داد و یکپارچه و در صافی واحد، خواهان حقوق اولیه اش می‌باشد. بر مبنای چنین حقایق روشن، و پتانسیل مبارزاتی‌ست، که تأکید می‌گردد، بر آمده‌ها و نماهای این جنبش، متباین از، دیگر به‌پا شدن‌های مردمی‌ست؛ جنبشی که شوراهای محلی و همچنین یگان‌های مسلح و مدافع خلق را در مقابل ارگان‌های مسلح امپریالیستی و نیروهای وابسته به آنان همچون داعش، سازمان داد و به‌مقابله رو در رو با آن‌ها برخاست.

به سخن دیگر جنبش کوبانی و تا حدودی، بی‌نشانه، از جنبش مسلحانه کُردستان ایران - و آن‌هم در دوران سه ساله اول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی - نیست. خواسته‌ها و مطالباتش من‌حیث‌المجموع بر سر کسب خودمختاری و حق تعیین سرنوشت و رهائی از زیر جور و ستم امپریالیستی‌ست و بی‌دلیل هم نیست، که جانیان بشریت، تحرک سازمان‌یافته و مسلحانه‌ای را علیه توده‌های محروم این منطقه سازمان می‌دهند و به قتل و کُشتار آنان می‌پردازند. قدرت‌مداران بین‌المللی به‌همراه دولت‌های دست‌نشانده‌شان تا توانسته‌اند، بر محدودیت‌ها و بر تضییقات مردم جهان و به ویژه توده‌های ستمدیده سوریه افزوده‌اند؛ تا توانسته‌اند به نتمه‌های آنان تعرض نموده‌اند و تا توانسته‌اند به سرکوب و استثمار خلق‌های دربند، پرداخته‌اند. حاکمان همه‌جا مردم را، توسط ارگان‌های مسلح و سرکوب‌گرشان، له و لورده می‌کنند؛ همه‌جا با قلدری تمام، سیاست‌های منفعت‌طلبانه خود را تحت لوای "محترم شمردن به حقوق انسانی" پی می‌گیرند و گوشه‌ای از جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه را نمی‌توان، سراغ داشت، که مردم در امان باشند؛ گوشه‌ای از جهان را نمی‌توان به‌عنوان اماکن امن و آسایش مردمی نوشت. تولید بی‌وقفه و فروش سلاح‌های مرگبار و کُشنده و همچنین تخریب زیر ساخت‌های جوامع متفاوت، به سیاست‌های روتین و روزمره سرمایه‌داران تبدیل گردیده است و، به بهانه برقراری دموکراسی و نجات مردم از شر دیکتاتورها، سلاح به منطقه وارد و با مستمسک مبارزه با "تروریسم"، مردم را از خانه و کاشانه‌شان آواره و قتل عام می‌کنند.

در حقیقت سلاح به عنوان یگانه ابزار و تأمین کننده منفعت سرمایه‌داران به حساب آمده و بدون استفاده روزانه از آن، قادر به پیش‌برد سیاست‌های‌شان نیستند. کار بست زور و سرکوب در ذات ظالمان است و در مقابل هم، هیچ جنبش و خلقی، بدون توسل جستن به زور سازمان‌یافته، قادر به دستیابی به حقوق اولیه‌اش نمی‌باشد. بر مبنای چنین ضمانت‌های مبارزاتی‌ست که خلق‌های ستمدیده‌ای همچون توده‌های محروم کُرد سوریه، به‌مقابله عملی، با مرتجعین مسلح و حامیان سرمایه برخاسته‌اند؛ توده‌ای که به تجربه دریافته است، مطالبات و مبارزات‌شان بدون اتخاذ تاکتیک‌های مبارزاتی و مسلحانه، عقیم خواهد ماند و محال به پیش‌روی‌ست. به یقین و به عینه، اندیشه و جنبش مسلحانه کوبانی، یکبار ثابت نموده است که در برابر زور سازمان‌یافته دشمن، تنها با زور سازمان‌یافته و مسلح توده‌نی‌ست که می‌توان، به ضرورت‌های عملی جنبش‌های اعتراضی پاسخ مثبت داد و دشمن را در تحقق سیاست‌های ارتجاعی‌اش عقیم گذاشت. آری، جنبش کوبانی. یکبار دیگر این اندیشه باطل را کنار زد و مدلل نمود که، تأمین و تضمین منافع کارگران و زحمت‌کشان و پس زدن دشمنان طبقاتی خلق‌های ستمدیده، در گرو انتخاب عالی‌ترین شکل از مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه است.

با این تفاسیل، دو، و یا به‌طور دقیق‌تر، ماهیت سه موضوع، پیرامون اوضاع سوریه و نیروهای درگیر در آن، آشکار می‌باشد. اول این‌که، در شناخت و از جایگاه طبقاتی و همچنین در انگیزه اصلی داعش و آن‌هم به‌عنوان نیرو و دشمن "اصلي"، مردم سوریه - و دیگر مناطق -، شک و تردیدی نیست؛ دُوم این‌که، ماهیت درونی حامیان این نیروی مرتجع - یعنی قدرت‌مداران بین‌المللی و حامیان منطقه‌ای‌اش -، بسیار گویا و عیان می‌باشد، و سَوم این‌که، در غرض و در جوهره جنبش کُردستان سوریه و کوبانی هم، کم‌ترین دودلی و بدگمانی وجود ندارد. مسلماً و در ذات غیر انسانی و خواست باطنی دو گروه اول، شبهه‌ای نیست و بیش از این‌هم، نیازی به برشماری عمل‌کرد جنایت‌بار آنان، در حق بشریت، مخالفان و آزادی‌خواهان نیست، چرا که بیش از اندازه، این دو گروه و دیگر حامیان سرمایه و آن‌هم در اقصا نقاط دنیا، زیر ساخت‌های جوامع متفاوت را زیر و رو نموده‌اند و دست به جنایات شنیع زده‌اند، مضافاً این‌که بیش از اندازه، اسناد و فاکت‌ها موجود است که، راه هر گونه ادعای انسان‌دوستی و خیراندیشی مخالفان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان و به ویژه جنبش کوبانی را می‌بندد. توده و جنبشی که با تحرکات مستقلانه خود، مهر و حقانیت مبارزاتی‌اش را در برابر زیاده‌خواهی‌ها و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه قدرت‌مداران بین‌المللی و دار و دسته‌های‌شان کوبیده و بیهوده هم، نبوده و نیست، که دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های زنان و مردان این منطقه، به سر تیر نگاه میلیون‌ها انسان محروم دنیا تبدیل گردیده است.

باری، جنبش کُردستان و کوبانی، علی‌رغم کاستی‌ها و علی‌رغم نامعینی در انتخاب سیاست پرولتری، و علی‌رغم رعایت و اجرای گام به‌گام قواعد جنگ توده‌نی، و همچنین علی‌رغم پی‌ریزی و دنبال‌روی روشن از برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی پرولتری و آن‌هم در مناطق تحت نفوذ خودی، توانسته است پرچم مبارزات حق‌طلبانه خلق رزمنده کُرد سوریه را برافرازد و انرژی تازه و نوینی را، به دیگر توده‌های ستمدیده دهد. به همین سبب، جنبش کوبانی، نیاز به ورود سیکل دیگری از مبارزه، نیاز به پیش‌روی و نیاز به انتخاب سیاست و طرحی تازه‌تر، تعرضی‌تر و شفاف‌تر دارد. سیاست و طرح تعرضی که از یکسو، پاسخگو و متضمن نیازهای خلق ستمدیده کُرد سوریه، و از سوی دیگر، زمینه‌ساز راندن و پس زدن قدرت‌مداران بین‌المللی، به‌همراه دار و دسته‌های‌شان از آن سرزمین می‌باشد. با این اوصاف نه تنها تأکید بر سایه‌ها، اضطراب‌ها و نگرانی‌های موجود در درون جنبش کُردستان سوریه و کوبانی، ناصحیح نیست، بلکه برشماری دقیق نارسائی‌ها و کمبودهای آن - و آن‌هم به‌منظور پیش‌رفت وسیع‌تر و مؤثرتر -، جایز و بجاست.

به تعبیر روشن‌تر، ضمانت هر جنبشی و به ویژه جنبش کوبانی، در تعیین و در حکمیت سیاست‌ها و تاکتیک‌های کمونیستی و همچنین در گرو پی‌گیری و اجرائی اقتصاد مردمی و پرولتری و آن‌هم، در رویارویی با سیاست و اقتصاد امپریالیستی‌ست. شکی در آن نیست که در چنین عرصه‌هایی، جنبش‌های اعتراضی و انقلابات جهانی، تاکنون آزمون‌های بس غنی و گرانبهایی را از خود باقی گذاشته‌اند؛ آزمون‌هایی که نه تنها قابل رد و کتمان نیستند، بلکه قابل اجراء و عمل‌اند. تشویش و دلوایی، مخالفت و یکدندگی زورمداران هم، در انتخاب سیاست مستقلانه توده‌ها، از سیاست‌ها و روش‌های انتخابی طبقه سرمایه‌داری و دم و دستگاه‌های حکومتی‌اش می‌باشد و همه تلاش طبقه ظالم و سودجو در آن است، تا به‌طریق گوناگون، مانع تجمعات رادیکال مردمی و به ویژه مبارزه مسلحانه توده‌ی - و آن‌هم حول سازمان انقلابی و مسلح - گردد. پُر واضح است که ورود توده به چنین عرصه‌ای از مبارزه و تعقیب نقشه‌های اقتصادی خارج از مناسبات کنونی، خط قرمز به حساب آمده، و می‌بایست با تمام توان و قواء، مورد تعرض و سرکوب قرار گیرد. در هر صورت و جدا از تغییر و تحولات، و جدا از معادلات سیاسی به وقوع پیوسته در کُردستان سوریه، آنچه قابل رؤیت و پافشاری‌ست، آن است که، شفافیت و خالصی هر چه بیش‌تر جنگ کوبانی، در پاسخ‌گویی به ضرورت‌های کنونی جامعه و مردم سوریه، از جانب هدایت‌گران اصلی آن، یعنی کمونیست‌هاست و طبعاً، کم‌ترین تعلل و وقفه در آن، این جنبش سرزنده و مسلحانه را، کسل و فرسوده خواهد کرد.

قابل قبول است که جنگ ادامه سیاست است و مهم‌تر از آن پیش‌روی هر جنگ توده‌ی و انقلابی، با تعرض و با تسلط گام به‌گام مناطق تحت نفوذ سرمایه‌داران و حامیان‌شان گره خورده است؛ قابل قبول است که بدون انتخاب و طی نمودن مراحل میانی و به ویژه پایانی جنگ انقلابی، هر جنبش اعتراضی - و حتی مسلحانه - را، در نیمه راه متوقف، به کج‌راه و به شکست خواهد کشاند و حاکمیت سرمایه هم‌چنان - و آن‌هم در شکل و شمایل دیگری، بر دوام خواهد ماند؛ قابل قبول است که هر سیاستی برخاسته از منفعت اقتصادی‌ست و منطقاً جنگ کوبانی و سوریه هم، خارج از قانون کلی جنگ‌های طبقاتی در دنیای کنونی نیست. مضافاً این‌که ارائه چنین نظری هم، خلاف حقیقت نیست که جنبش کوبانی و مبارزات خلق ستمدیده کُرد سوریه - و به‌مانند ده‌ها جنبش اعتراضی دیگر -، حاصل فقر و ناداری و حاصل تعرض طبقه بالائی‌ها، به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و محرومان می‌باشد؛ ارائه چنین نظری هم خلاف حقیقت نیست که گاهی، تضاد درون طبقه بالائی‌ها، زمینه‌های رشد و به‌پاخاستن کارگران و زحمت‌کشان و همچنین خلق‌های ستمدیده را فراهم نموده و در صورت استفاده بجا و سازمان‌دهی صحیح، اعتراضات مردمی، مسیر سالم خود را باز خواهند یافت و دشمنان را در مخصمه جدی‌تری قرار خواهد داد.

به علاوه باور بر آن است که، جنگ و بحران درون بالائی‌ها و تنش و کشمکش‌ها، طبقاتی‌ست و در این‌میان وظیفه هر جریان و عنصر کمونیستی‌ست، تا جدا از پا درمیانی و جدا از راه‌اندازی عملی مبارزه علیه حاکمان (و آن‌هم با مرزبندی روشن و قاطع از جناح‌های رقیب سرمایه)، توده‌ها را حول برنامه‌های روشن، گرد هم آورند و مبارزات‌شان را به‌مسیر حقیقی و سالم رهنمون سازند. در حقیقت جنگ قدرت‌مداران بین‌المللی و دیگر دار و دسته‌های‌شان، بر سر تسلط یابی هر چه بیش‌تر منابع طبیعی و به‌طور اولی، سوخت و گاز است؛ گازی که ۷۵ درصد آن در دست دولت روسیه است و بخش عظیمی از گاز اروپا را تأمین می‌نماید؛ جنگ و دعوایی که، اقتصادی و بر سر کنترل دو خط گاز و لوله‌ای‌ست که قرار بود از سرزمین عربستان و قطر، به عراق، سوریه و ترکیه و بعد از آن به دریای مدیترانه عبور نماید. بر مبنای چنین منفعت و طرح اقتصادی‌ای‌ست که شعله‌های جنگ را در منطقه، گسترده‌تر نموده‌اند و باعث آوارگی و خانه‌خرابی بیش از این مردم محروم کُردستان سوریه گردیده‌اند. لشکرکشی‌ها و تخریب زندگانی مردم محروم منطقه و سوریه از جانب دولت امریکا و دیگر حامیان دولتی‌اش همچون قطر، عربستان و ترکیه و همچنین جناح‌ها و نیروهای غیر دولتی همچون داعش، برگرفته از چنین منفعت اقتصادی‌ست، که این‌روزها تجلی خود را در

جنگ‌های سیاسی - نظامی منطقه به‌نمایش می‌گذارد؛ جنگ‌ها و تنش‌های سیاسی که باعث مرگ و میر کودکان و دربردار خلق ستمدیده‌گرد سوریه گردیده است.

به هر حال و جدا از بررسی دلائل اصلی تغییر و تحولات و معادلات سیاسی به وجود آمده در درون جوامعی همچون سوریه، جنبش‌گردستان سوریه، نیازمند پیش‌روی و دگرسازی بیش از این است؛ نیازمند سازمان‌دهی متناسب یا قوانین جنگ‌پرولتری و مهم‌تر از همه این‌ها، نیازمند پی‌ریزی طرح و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، جنگی و فرهنگی شفاف‌تر، در مناطق خودیست؛ نیازمند آن است تا جدا از پی‌گیری نقشه‌های نظامی علیه ارگان حافظ بقای سلطه امپریالیستی، به خواسته‌های اولیه و پایمال شده چندین دهه خلق ستمدیده سوریه، پاسخ درخور شایسته دهد و گام به‌گام و آن‌هم با سازمان‌دهی صحیح، دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان را از آن سرزمین براند و پرچم رهایی و آزادی را برافرازد. تردیدی در آن نیست که در جایی، ایستائی و دفاع صرف مسلحانه از خانه و منطقه خودی، این جنبش را در درازمدت فرسوده نموده و بر خسران‌های آن خواهد افزود. با این اوصاف لازم است تا جنبش مسلحانه خلق ستمدیده‌گرد سوریه، با درس‌آموزی از دیگر مبارزات مردمی، و همچنین با فراگیری از دیگر تجارب و جنگ‌های مسلحانه توده‌ئی، سازمان سیاسی - اقتصادی منطبق با منطقه خودی را پی ریزد، و به نمادی دیگر از مقاومت، سیاست‌ها و تاکتیک‌های مردمی و پرولتری تبدیل گردد.

در پایان این‌که، پیش‌رفت جنبش مسلحانه خلق ستمدیده‌گرد سوریه، منوط به وساطت عملی و منوط به اجرائی گام به‌گام سیاست‌ها و تاکتیک‌های کمونیستیست؛ سیاست‌ها و تاکتیک‌هایی که به نوبه خود، سبب افتخار و سربلندی همه آزادی‌خواهان، و همچنین سبب حقانیت و بالا آمدن یگانه شیوه اصلی مبارزه ثمربخش و آن‌هم در تقابل با دشمنان طبقاتی و مسلح کارگران و زحمت‌کشان و همه خلق‌های ستمدیده منطقه خاورمیانه و اقصاد نقاط جهان خواهد گردید.

۲۲ نومبر ۲۰۱۴

۱ آذر [قوس] ۱۳۹۳